

نگرشی بر معادل یابی و تعریب کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران اثر استاد مطهری براساس نظریه گارسسی

فاطمه خاوری^۱، فاطمه شاکراردکانی^۲

چکیده

یکی از مهمترین بخش‌های ترجمه، نقد و ارزیابی آن است که سبب رشد و تکامل ترجمه می‌شود. نظریه ارزیابی کیفیت ترجمه گارسس به دلیل داشتن معیارهای میزان قابلیت و کیفیت متون ترجمه در تشخیص سطح کیفی ترجمه‌ها بسیار کارآمد است. کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران نوشته استاد مطهری مانند کتاب‌های مهم در زمینه تاریخ، فرهنگ و سیاست است که با عنوان الاسلام و ایران به زبان عربی ترجمه شده است. مقاله حاضر نگرشی بر معادل یابی و تعریب این کتاب با تکیه بر الگوی کارمن والرو گارسس و چهار سطح واژگانی، دستوری، گفتمانی و سبکی و به روش توصیفی-تحلیلی بررسی می‌شود. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که این ترجمه با توجه به تکنیک‌های منفی بیشتر تنها از کفایت برخوردار است نه مقبولیت؛ زیرا مترجم در سطح‌های معنایی- لغوی و نحوی- صرفی نسبت به سطوح دیگر موفق تر بوده است، اما در سطح گفتمانی- کارکردی و سبکی- عملی نیاز به بازنگری دارد. از نکات مثبت این ترجمه می‌توان معادل یابی یا تعدیل در سطح دستوری نام برد و از نواقص آن می‌توان تعدد حذفیات که مخل و نابه‌جاست و شامل حذف کلمه و جمله و پاراگراف و صفحات است. مورد دیگر از نواقص این ترجمه پدیده بسط یا پرگویی بیش از اندازه است که گاه باعث تحریف متن می‌شود.

واژگان کلیدی: نقد ترجمه، الگوی گارسس، معادل یابی، خدمات متقابل

اسلام و ایران، الاسلام و ایران.

۱. دانش‌پژوه مقطع کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان عربی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: khwaryfatmh318@gmail.com

۲. مربی گروه زبان و ادبیات عرب، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

ترجمه، برگردان متنی از زبان مبدأ به زبان مقصد بدون کوچک‌ترین افزایش یا کاهش در صورت و معناست. این تعریف دقیق است، اما جنبه نظری دارد؛ زیرا هیچ پیامی را نمی‌توان بدون تغییر در صورت و معنا از زبانی به زبان دیگر منتقل کرد. (صفوی، ۱۳۷۱) یا کوبسن در این مورد می‌گوید: «در ترجمه، نظام‌های واژگانی به نظام‌های واژگانی دیگر تبدیل نمی‌شود، بلکه همواره پیامی به پیام دیگر تبدیل خواهد شد و مترجم نظام رمزگانی را در زبان خودش بازسازی می‌کند» (عنانی، ۱۴۲۴). بازسازی موفق این نظام رمزگونه بدون آشنایی کامل با شخصیت، رفتار و روان نویسنده ممکن نخواهد بود تا جایی که نایدا در مورد این موضوع می‌گوید: «مترجم باید ملبس به شخصیت نویسنده اصلی از نظر رفتار، کلام و سبک کلامش باشد و تا آنجا که می‌تواند حقیقت را روشن سازد و حتی از نظر باطن، روح و روان نیز مثل مؤلف باشد. همچنین او باید سوابق فرهنگی مؤلف و استعداد او را نیز داشته باشد تا بتواند همان لذتی را برجا گذارد که متن اصلی بر جای می‌نهد» (الطامی، ۲۰۱۳). از سوی دیگر یک مترجم در ترجمه به دنبال معنا بوده و انتظاری که از او می‌رود این است که با کمترین آسیب، معادل مناسب را انتخاب کند (طهماسبی، ۱۳۹۳). بی‌تردید معادل یابی یکی از بحث‌برانگیزترین و جنجالی‌ترین مباحث فن ترجمه است و بخش زیادی از مطالعات ترجمه به این موضوع اختصاص یافته است. یکی از مشکلاتی که در فرایند ترجمه رخ می‌دهد نبود تناسب ساختارهای دستوری و ویژگی‌های صرفی و نحوی زبان مبدأ و مقصد است. به همین دلیل باید جایگزینی یا تعدیل صورت گیرد؛ زیرا آرایش نحوی زبان‌ها باهم تفاوت دارد و در نتیجه هیچ ترجمه لفظ به لفظی ممکن نیست به‌طور کامل مفهوم و رسا باشد (صلح‌جو، ۱۳۷۷، ص ۴۸).

هر مترجمی بنابر سلیقه و سبکی که دارد به‌طور ناخودآگاه و تجربی دست به اقداماتی برای رفع این نواقص و آسیب‌ها می‌زند. این درحالی است که باتوجه به جهت‌گیری جهان به‌سوی علمی کردن تمام حرفه‌ها و عرضه ابزارهایی برای رویارویی با مشکلات آن، ترجمه نیز از این امر به دور نمانده و نیاز به ابزارهایی دارد. این ابزارها یا نظریه‌ها راهی برای آشنایی بیشتر با مشکلات

ترجمه، طبقه‌بندی آنها و پیشنهاد راه‌حلی برای تصمیم‌گیری برای حل مشکلات پیش‌روست. (مهدی‌پور، ۱۳۸۹) تاکنون نظریات مختلفی از سوی صاحب‌نظران ترجمه‌درزمینه کیفیت‌سنجی و ارزیابی ترجمه‌ها ارائه شده است. یکی از مهمترین مسائل مرتبط با نظریه و عمل ترجمه، تعریف نظریه ترجمه و تبیین نسبت آن با عمل ترجمه است. برخی از نظریات ترجمه، متن مبدأ را در اولویت قرار داده است و به اصطلاح نویسنده‌محور هستند. برخی دیگر به متن مقصد توجه دارند و مخاطب‌محور هستند. در هر صورت می‌توان آنها را معیاری برای نقد و ارزیابی ترجمه‌های انجام‌شده در نظر گرفت (افضلی و اسدالهی، ۱۳۹۸).

نظریه گارسس یکی از مهمترین نظریات مخاطب‌محور است که در چهار سطح ارائه شده است و به دلیل جامع بودن آن می‌تواند میزان ارزشی خوب برای کیفیت‌سنجی ترجمه و میزان مقبولیت و کفایت آن باشد. از کتاب‌های ترجمه شده به زبان عربی کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران اثر استاد شهید مطهری است که توسط استاد محمدیوسف هادی غروی بانام الاسلام و ایران است. ارزش و جایگاه جهانی این کتاب ضرورت ارزیابی ترجمه‌اش را به‌طور آشکار بیان می‌کند. مقاله حاضر جلد دوم کتاب موردنظر را براساس نظریه گارسس و باروش توصیفی-تحلیلی بررسی می‌کند و با بیان نکات مثبت و منفی ترجمه، میزان کفایت و مقبولیت آن سنجیده شده است. در پژوهش حاضر سؤالات زیر قابل پاسخ‌گویی است:

- ترجمه کتاب الاسلام و ایران با کدام‌یک از سطوح چهارگانه نظریه گارسس مطابقت دارد؛

- ترجمه کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران براساس الگوی گارسس کدام‌یک از ویژگی‌های

مقبولیت و کفایت را دارد.

باتوجه به سؤالات مطرح شده در بالا دو فرضیه برای پژوهش حاضر محتمل است:

(فراهیدی، ۱۴۰۹، ۲۷۴/۵)

- ترجمه کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران با سطح صرفی-نحوی سطوح چهارگانه نظریه

گارسس مطابقت بیشتری دارد؛

-ترجمه کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران براساس الگوی گارسس مقبولیت دارد، ولی کفایت لازم را ندارد.

پژوهش‌هایی با سطح بالا بر مبنای نظریه گارسس انجام شده است که سه مورد از مهمترین آنها عبارتند از:

-محمد رحیمی خویگانی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله نقدی بر انتخاب‌های واژگانی محمد دشتی در ترجمه نهج البلاغه از منظر سطح معنای- لغوی گارسس انتخاب واژگان محمد دشتی از نهج البلاغه امام علی علیه السلام را براساس سطح معنایی و لغوی الگوی ارزیابی ترجمه گارسس بررسی کرده و این نتیجه را به دست آوردند که دشتی در انتخاب خود بیش از هر چیزی به بسط واژگانی در قالب‌های مختلف و از همه مهمتر به بسط تفسیری و ایدئولوژیک روی آورده است؛

-محمدحسن امرایی (۱۳۹۷) در مقاله نقد و ارزیابی کیفیت ترجمه قرآن آیت‌الله یزدی براساس نظریه گارسس (۱۹۹۴)؛ مطالعه موردی سوره بقره در ارزیابی کیفی ترجمه قرآن آیت‌الله یزدی به این نتیجه رسیده است که این ترجمه هم توضیحی-تفسیری است و داده‌های بسیاری برای زیرگروه تعریف و توضیح و بسط خلاقه دارد هم موارد بی‌شماری از داده‌های قابل تطبیق با نظریه گارسس و زیرگروه‌های متعدد آن را در خود جای داده است؛

-عیسی متقی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی براساس مدل کارمن گارسس (پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج ۱۳۹۵) با بررسی ترجمه پیام رهبر انقلاب به زبان عربی، چالش‌هایی را در این ترجمه شناسایی کرده است. تفاوت‌های فرهنگی موجود بین دو زبان فارسی و عربی و معادل‌یابی در سطح واژگانی و دستوری براساس این اختلافات، یکی از چالش‌های مهم در فرآیند این ترجمه است. مواردی مانند اقتباس و معادل‌یابی واژگانی براین اساس، قبض و بسط واژگان در زبان مقصد، به کار بردن واژگان عام در برابر خاص و برعکس، تأثیرپذیری از زبان عامیانه و... از مهم‌ترین چالش‌های این حوزه بوده است. براساس جست‌وجویی که انجام شد تاکنون پژوهشی در مورد بررسی ترجمه یوسفی

غروی از کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران انجام نشده است و از این نظر پژوهش حاضر نو به شمار می‌رود.

۲. معرفی کتاب

خدمات متقابل اسلام و ایران از آثار مشهور استاد مطهری، روحانی شیعه و استاد فلسفه و علوم اسلامی است. ایشان در کتاب خود از اسلام در برابر ادعاهای عبدالحسین زرین کوب در کتاب دو قرن سکوت دفاع کرده است. زرین کوب در کتاب دو قرن سکوت از رفتار اعراب مسلمان در جریان فتح ایران انتقاد می‌کند و ورود اسلام به ایران را با غارت و کشتار همراه می‌داند. زرین کوب معتقد است که اعراب، ایرانیان را با زور شمشیر، مسلمان کردند، اما استاد مطهری معتقد است که ایرانیان با سابقه فرهنگی و فلسفی عالی که داشتند دین اسلام را هماهنگ با عقل و فطرت یافتند و آنرا پذیرفتند. ایشان کتاب را در سه فصل نگاهشته است. در فصل نخست می‌گوید که مفهوم ملیت ایرانی چیست و به‌طور مستند به شیوه ارتباط ایرانیان با اسلام در طول تاریخ اسلام می‌پردازد. در فصل دوم می‌گوید که گرایش ایرانیان به اسلام از روی اجبار و اکراه نبود، بلکه با عشق به آموزه‌های عالی اسلام مانند عدالت و استعدادشان در پذیرش اسلام بوده است. در فصل سوم می‌نویسد که ایرانیان بیش از هر قوم دیگری استعداد و ابتکار خود را صادقانه در اختیار اسلام قرار دادند.

۳. معرفی مدل ارزیابی کارمن والروگارسس

دیدگاه‌های مختلفی از سوی صاحب نظران ترجمه برای کیفیت سنجی ترجمه مطرح شده است که از میان آنها مدل گارسس به دلیل جامع بودن و پرداختن به همه ابعاد متن اهمیت زیادی دارد. گارسس (۱۹۹۴) مدلی ترکیبی در ارزیابی ترجمه ارائه کرده است که مرکب از مدل پیشنهادی وینی و داربلنه (۱۹۵۸)، آرا و عقاید دیگر صاحب نظران در امر ترجمه مانند نایدا، نیومارک، دیسل، وازکه ایورا، مونن، نوبرت و سنتویویاتوری است. در این الگو ترجمه‌ها براساس ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر کیفیت (و زیرگروه‌های آن) و درنهایت، معیارهای کیفیت و

مقبولیت بررسی و رتبه‌بندی می‌شوند (رشیدی و فرزانه، ۱۳۹۲). گارسس برای ارزیابی شباهت‌های متن مبدأ و مقصد چهار سطح پیشنهاد می‌کند که عبارتند از:

- سطح معنایی- لغوی شامل تعریف یا توضیح، معادل فرهنگی یا کاربردی، اقتباس، بسط یا بسط نحوی، قبض نحوی، عام برابرخاص یا برعکس و ابهام؛

- سطح نحوی-واژه‌ساختی شامل ترجمه تحت‌اللفظی، تغییر نحو یا دستورگردانی، تغییر دیدگاه، جبران، توضیح یا بسط معنا، تلویح (تقلیل و حذف) و تغییر نوع جمله ترجمه؛

- سطح گفتمانی-کارکردی شامل تغییر به دلیل اختلافات اجتماعی-فرهنگی، تغییر لحن، تغییر ساختار درونی متن مبدأ، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، حذف منظور متن اصلی و حذف حواشی؛

- سطح سبکی-عملی شامل بسط خلاقه، اشتباه مترجم، حفظ اعلام با معادل متن اصلی، حفظ ساختار خاص متن مبدأ، بیان نامناسب در متن مقصد، پرگویی در برابر ساده‌گویی و تغییر در صناعات.

همه این تکنیک‌ها را می‌توان از دیدگاه دیگر به سه گروه عمده که هر نوع ترجمه‌ای را دربرمی‌گیرد تقسیم کرد: افزایش، مانس (حفظ)، کاهش. در پژوهش حاضر ترجمه کتاب مورد نظر براساس روش شناسی ارزیابی ترجمه گارسس نقد و تحلیل می‌شود. این روش شناسی، الگوی جدید و جامعی برای ارزیابی ترجمه ادبی از دیدگاه علمی و ادبی به دست می‌دهد تا ناقد ترجمه، گزینه‌های مترجم از تنگناها و آزادی‌ها را بشناسد و از اظهارنظرهای مغرضانه، طرفدارانه، خام، ناپخته، نظری، غیرملموس، غیرمستدل و غیرمنطقی پرهیزکند. (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶)

۴. به‌کارگیری نظریه گارسس در ترجمه کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران

۴-۱. سطح معنایی-لغوی

تعریف، بیان معنی واژه است به صورت عبارت اسمی یا شبه جمله صفتی و توضیح، افزودن اطلاعاتی است که برحسب اختلافات فرهنگی، فنی یا زبانی بین مخاطب اصلی و مخاطب

ترجمه ضرورت پیدا می‌کند. (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶) وقتی مترجم در ترجمه به واژه‌ای برمی‌خورد که خاص یک فرهنگ است در انتقال آن به زبان مقصد باید معنی آن را بیان کند و توضیحی ارائه دهد تا خواننده متن ترجمه شده در درک معنی دقیق با چالش مواجه نشود (صیادانی و همکاران، ۱۳۹۶). برای مثال در متن زیر مترجم برای فهم بیشتر مطلب در ذهن خواننده جمله‌ای را برای توضیح عقل مقدس در داخل پرانتز آورده است: «اهورا مزدا اراده قدوسی علوی خود را به وسیله روحی مقدس و نیکونهاد از قوه به فعل می‌آورد که او را سپنت مثنیو (خرد مقدس) نامیده است» (مطهری، ۱۳۵۷). ترجمه: «إن کان اهورا کان یفعل ما یرید بإرادته العلویة المقدسه بواسطه روح مقدس نافع و خیردعاه سپنت مثنیو=العقل المقدس». «کما یقول قدماء الفلاسفه بالعقل الاول) (یوسفی غروی، ۱۳۶۲). در ترجمه عبارت «اصل تعدد زوجات اساس تشکیل خانواده به شمار می‌رفت» نیز مترجم برای رفع ابهام و برداشت نادرست مخاطب توضیحاتی در انتهای عبارت بیان کرده است؛ زیرا اگر این امر صورت نمی‌گرفت شاید برای خواننده این فکر تداعی می‌شد که تعدد زوجات که اصلی اساسی در تشکیل خانواده است در میان افراد تمام طبقات جامعه رایج است. علاوه بر این کلمه ایران که مؤنث است به صورت نادرست به کار رفته است. ترجمه عبارت مطرح شده چنین است: «إن تعدد الزوجات یعتبر هو الاصل فی اساس تشکیل الاسره فی ایران القدیم (لدی الاشراف)» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲).

۴-۱-۱. معادل فرهنگی یا کارکردی

پیدا کردن واژه‌ای از فرهنگ زبان مقصد برای جایگزین واژه‌ای در زبان مبدأ را معادل فرهنگی می‌نامند. این بخش مربوط به تعدیل در ترجمه است و شامل تعدیل اجباری می‌شود که سبب هم خوانی بین زبان مبدأ با زبان مقصد می‌شود. همان طوری که در این مورد می‌گوید: «واژگان و اصطلاحات فرهنگی باید با معادل مناسب فرهنگ مقصد جایگزین شوند» (امریی، ۱۳۹۷). برخی از واژگان به دلیل داشتن بار معنایی فرهنگی یا کارکردی در زبان مبدأ، چنانچه با استفاده از فرهنگ لغت و با استفاده از معادل اولیه واژه ترجمه شوند، ترجمه‌ای قابل فهم و قبول برای مخاطب به دست نمی‌دهند. بنابراین، مترجم توانمند باید با شناسایی چنین واژگانی معادل

مناسبتی را که در فرهنگ زبان مقصد همان مفهوم و کارایی را دارد، انتخاب کند. در عبارت‌های زیر مترجم به جای ترجمه تحت‌اللفظی از معادل فرهنگی آن در زبان مقصد استفاده کرده است: «روی استعمار سیاه با دست پروردگانش». (مطهری، ۱۳۵۷). ترجمه: «شاهت وجوه ربائب المستعمرین العملاء الخونه المجرمین» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲). «شاهت وجوه» معادل فرهنگی رویش سیاه است. «در شش و پنج خیر و شر است» (مطهری، ۱۳۵۷). ترجمه: «یحار فی مسئله الخیر و الشر» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲). مترجم به جای اینکه به ترجمه تحت‌اللفظی این عبارت بسنده کند معادل کارکردی آن را در زبان مقصد ارائه داده است تا مخاطبان دچار سردرگمی و کج‌فهمی نشوند. «آن‌گاه ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا» (مطهری، ۱۳۵۷). ترجمه: «ثم تری أنت بنفسک البون الشاسع بینهما» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲). این سخن که از غزل دوم حافظ «صلاح کار کجا و من خراب کجا / ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا» برگرفته شده به صورت دقیق ترجمه نشده است، بلکه به جای آن از معادل فرهنگی آن استفاده شده است. به همین دلیل ترجمه بیت به صورت «أین صلاح العمل مئی السكران / أنظر من این إلی این إختلاف الطریقین» پیشنهاد می‌شود.

۴-۱-۲. اقتباس

در تعریف همانند سازی یا اقتباس آمده است: «معادل‌یابی تقریبی میان مضمونی در زبان مبدأ و مضمونی مشابه و یا نزدیک به آن در زبان مقصد که تأثیری مشابه در ذهن خواننده دارد». (کمالی، ۱۳۹۲) اقتباس (معنای نزدیک) در نظریه گارسس هم به معنای به‌کار بردن معادل جا افتاده است. در این شیوه، پیامی از راه موقعیت مشابه انتقال می‌یابد و برای ترجمه اصطلاحات یا نهادهای فرهنگی نافع است (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶). در نتیجه می‌توان گفت اقتباس همان معادل فرهنگی است؛ یعنی کلمه یا اصطلاحی در یک فرهنگ زبان مبدأ مفهوم مشخصی دارد، اما در فرهنگ زبان مقصد همان کلمه یا اصطلاح وجود ندارد و اصطلاحی به‌کار می‌رود که مشابه همان مفهوم است. برای نمونه در عبارت «سنن و نظامات کهنه و دست‌وپاگیر آنها را براندازد» (مطهری، ۱۳۵۷) اصطلاح دست‌وپاگیر در فرهنگ فارسی وجود دارد و همه مفهوم

آن را می‌دانند درحالی‌که همین اصطلاح در زبان عربی وجود ندارد. براین اساس مترجم به دلیل نبود معادل مناسب از کلمه‌ای که با مفهوم آن تناسب داشته باشد استفاده کرده است. ترجمه: «أن يضع عنهم اصرهم و الاغلال التي عليهم من السنن و الانظمه الباليه» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲).

۴-۱-۳. بسط نحوی

بسط نحوی عبارت است از: افزودن یک یا چند واژه به ترجمه برحسب ضرورت». (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶) در بسط نحوی، مترجم بنابه ضرورت ساختار زبان مقصد جملات یا شبه‌جملاتی را به متن اضافه می‌کند تا عبارت برای خواننده مفهوم‌تر باشد؛ یعنی تصریح و آشکارسازی آنچه در متن مبدأ به صورت تلویح و مبهم آمده است. از این فن زمانی بهره گرفته می‌شود که اطلاعات متن مبدأ با صراحت و وضوح بیشتر به ترجمه انتقال می‌یابد (خزاعی فر، ۱۳۹۱). در مثال‌های زیر مترجم پس از آوردن معادل کلمه در متن مقصد و ترجمه جمله در ساختار زبان مقصد برای توضیح بیشتر و شفاف‌سازی مفهوم، عناصر نحوی افزوده است. «کابوس به پایان آمد» (مطهری، ۱۳۵۷). ترجمه: «هكذا ارتفع الكابوس المظلم» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲). توضیح: «افزودن صفت مظلم». «اعتقاد عظیم به خون و نژاد را با مسئله حقوق زن نباید اشتباه کرد» (مطهری، ۱۳۵۷). ترجمه: «فلا ينبغي الخلط بين العقيدة السائده بالدم و العنصر و مسأله حقوق المرأه في ذلك العهد البائد» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲).

۴-۱-۴. قبض نحوی

این عنصر به معنای به‌کاربردن واژه‌های اندک در برابر واژه‌های بسیار زیاد زبان مبدأ است. درواقع در قبض نحوی، کلمات ترجمه کمتر از کلمات مبدأ است. «هر پسری تا سن بلوغ و هر دختری تا زمان ازدواج دارای همین حقوق بودند» (مطهری، ۱۳۵۷). ترجمه: «كان لكل بنت نفس هذا الحق الی ان تتزوج و كذلك للولد» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲). باتوجه به عبارت مطرح‌شده، مشخص می‌شود که ترتیب جمله در ترجمه جابه‌جا شده و مترجم به آن بسنده

کرده است. در ترجمه جمله ابتدایی دچار قبض شده که در فهم جمله اختلال ایجاد می‌کند. به بیان دیگر در متن اصلی برای پسر، سن بلوغ در نظر گرفته شده است و برای دختر، زمان ازدواج، اما وقتی مترجم ترجمه کرده است: «و کذلک للولد» مخاطب دچار اشتباه می‌شود و فکر می‌کند معیار برای پسر هم همان سن ازدواج است.

۴-۱-۵. عام برابر خاص یا برعکس

گاهی ممکن است نویسنده اسمی را به صورت عام بیان کند، اما مترجم آن را به صورت خاص بنویسد و یا برعکس آن عمل کند؛ یعنی اسم خاص را در ترجمه به صورت اسم عام می‌آورد. برای مثال: «در صفحه ۷۶ کتاب که درباره تاریخی یا موهوم بودن زردشت بحث می‌کنند، می‌گویند» (مطهری، ۱۳۵۷) ترجمه: «یبحث هذا الدكتور المَعین فی صفحه ۷۶ من کتابه حول حقیقه وجود زرادشت و اسطوریته و یقول» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲). همان طور که مشاهده می‌شود در متن اصلی، گویندگان مطلب به صورت عام مطرح شده‌اند، اما مترجم باتوجه به مطالعه کتاب استاد مطهری و اشرافش بر مطالب، اسم گوینده را ذکر کرده است.

۴-۱-۶. ابهام

بنابر نظر زبان‌شناسان دلالت‌های مختلف یک صورت واحد سبب ابهام می‌شود. نیومارک ابهام را هفت نوع می‌داند: ابهام دستوری، ابهام لغوی، ابهام کاربردی، ابهام فرهنگی، ابهام در گویش فردی، ابهام ارجاعی، ابهام استعاری یا مجازی. (نیومارک، ۱۳۷۲) در متن زیر اگر به متن اصلی کتاب مراجعه نشود مفهوم جمله ترجمه شده دشوار خواهد بود. به همین دلیل ترجمه به صورت «اَئِما بَقی مَرسوم و تَقلید عبادی واحد» پیشنهاد می‌شود. «تنها یک رسم و یک عبادت از زمان زردشت باقی مانده است» (مطهری، ۱۳۵۷) ترجمه: «و اَئِما بَقی مَرسوم عباده واحده» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲).

۴-۲. سطح نحوی-صرفی

۴-۲-۱. ترجمه تحت اللفظی

در این نوع ترجمه، عناصر سازنده جمله در زبان مبدأ با معادل‌های معنایی خود در زبان مقصد جایگزین می‌شود (صیادانی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ یعنی در برابر هر کلمه از زبان مبدأ، کلمه‌ای از زبان مقصد و با همان ترتیب نوشته می‌شود. عبارت «آیین مزدا خواسته آبروی خدا را اصلاح کند، چشم خدا را کور کرده است» (مطهری، ۱۳۵۷). به صورت «دین مزدا أراد آن یکحل عین مزدا فأعماها» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲) ترجمه شده است که به مفهوم جمله متن اصلی که در فرهنگ ایرانیان رایج است توجه نشده و با ترجمه تحت اللفظی، عبارتی گنگ و نامفهوم برای عرب‌زبانان ایجاد شده است.

۴-۲-۲. تغییر نحو یا ساختار

در فرآیند ترجمه، سطح نحوی به تحلیل جملات و سازه‌های آن در زبان مبدأ و تولید جملات درست در زبان مقصد مربوط می‌شود. بنابراین، علاوه بر برگردان عناصر معنایی و واژگان، ترجمه ساختار نحوی واحد ترجمه از زبان مبدأ به مقصد نیز باید انجام شود. در واقع برگردان قالب و ساختار جمله از زبان مبدأ به مقصد شرط اساسی ترجمه است و این امر جز با تجزیه و تحلیل گرامری واحد ترجمه میسر نمی‌شود. (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۲) در عبارت «آتش پسر آسمان است» (مطهری، ۱۳۵۷) یکی از عقاید زردشتیان که می‌گوید آتش پسر آسمان و مقدس است بیان شده است، اما نار در زبان عربی مؤنث معنوی است و مترجم برای اینکه بتواند جمله را با قواعد عربی منطبق کند از کلمه «بنت» در عبارت «النار بنت السماء» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲) استفاده کرده است به معنای «دختر آسمان». در واقع مترجم در اینجا از مقوله تعدیل صوری در طبقات دستوری استفاده کرده تا بتواند ترجمه‌ای با مقبولیت و کفایت ارائه کند. همچنین در عبارت «دینی که از فاتحین عرب به ایرانیان رسید در اینجا رنگ‌وروی ایرانی گرفته تشیع خوانده شد و از مذاهب اهل سنت امتیاز یافت» (مطهری، ۱۳۵۷) از تغییر دستوری تبدیل فعل به اسم بهره‌گیری شده تا تعدیل در ترجمه در عبارت «إن الدین الذی وصل علی أیدی الفاتحین العرب

إلى الفرس تأثر هنا بلون إيراني يدعى التشيع ممتازاً عن مذاهب السنه» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲) حاصل شود.

۴-۲-۳. تغییر دیدگاه

هرگاه مترجم مفهومی را که در زبان مبدأ آمده است به گونه‌ای دیگر در زبان مقصد بیان کند از تغییر دیدگاه استفاده کرده است مانند بیان وسیله به جای نتیجه، بیان معلول به جای علت یا برعکس بیان از راه یک حس به جای حس دیگر، بیان با ترتیب دیگر، بیان معلوم به جای مجهول، بیان عبارت منفی به جای عبارت مثبت و برعکس، تبدیل جزء به کل و برعکس، حال به محل، ظرف به مظهر، خصوص به عموم و برعکس، مسبب به سبب، لازم به ملزوم و... (فرهادی، ۱۳۹۲) برای نمونه در عبارت «دارای خصوصیات اخلاقی و اجتماعی می‌شوند» (مطهری، ۱۳۵۷) از تبدیل جمله مثبت به منفی در ترجمه عبارت «لا تعدم بعض الصفات الخلقیه و الاجتماعیه» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲) استفاده شده است که از نمونه‌های بارز تعدیل طبقات دستوری است. همچنین در عبارت: «به نظم و نثر ایجاد کرده‌اند» (مطهری، ۱۳۵۷) نیز از اسلوب تغییر زاویه دید از سوم شخص جمع به اول شخص جمع در ترجمه بهره گرفته شده است: «قلنا و نظمنا» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲).

۴-۲-۴. جبران

هرگاه به دلایلی مترجم نتواند ترجمه دقیقی از متن اصلی ارائه دهد با استفاده از راه‌های دیگر دست به جبران آن می‌زند تا ترجمه دچار خلل و خسارت نشود. برای مثال در عبارت «شهرنشین شدند» (مطهری، ۱۳۵۷) مترجم به دلیل اینکه نتوانسته شهرنشین شدن را به طور دقیق ترجمه کند از جمله: «بنوا و بیوتاً و سکنوها» و از ترفند جبران استفاده کرده است.

۴-۲-۵. توضیح یا بسط معنی

«توضیح یا بسط معنایی قسمتی از متن که ضرورت دارد در متن مقصد تصریح شود. این بسط معنوی مثل بسط و قبض نحوی، خاص تمام زبان‌هاست». (امرائی، ۱۳۹۷) در عبارت «يُغَبِّقُونَ

كأس الحكمة بعد الصبوح؛ همانا شامگاهان بعد از بامدادان، باده حكمت سرمى كشدند» (مطهرى، ۱۳۵۷) نويسنده كلمه صبوح را به صورت مبهم آورده درحالى كه مترجم در عبارت «أى إنهم يشربون كأساً من الحكمة فى الصباح و كأساً آخر منها فى المساء» (يوسفى غروى، ۱۳۶۲) آن را به صورت واضح توضيح داده است.

۴-۲-۶. تلويح، تقليل و حذف

هرگاه عناصرى كه در متن اصلى تصريح شده اند در ترجمه به تلويح بيان شوند يا تقليل يابند يا به طوركلى حذف شوند از اين روش استفاده مى شود. (فرهادى، ۱۳۹۲) در عبارت «اگر قبلاً تدوين شده بود در چه زمانى اين تدوين صورت گرفته است» (مطهرى، ۱۳۵۷) مترجم از حذف فعل جمله به صورت تقليل و تلويح در عبارت «إن كان ذلك ففى أى مكان و زمان» بهره گرفته است. از بارزترين حذفيات، حذف يك صفحه يا يك پاراگراف است كه علاوه بر وارد كردن خلل به ترجمه سبب معيوب آن نيز مى شود. ديده مى شود كه مترجم در ترجمه چند پاراگراف بلند از جمله در صفحات ۲۵۳ و ۲۵۷ غفلت كرده است. متأسفانه موارد حذف بسيارى در ترجمه كتاب خدمات متقابل اسلام و ايران وجود دارد كه منحصر به يك واژه يا يك جمله و پاراگراف نيست و بدتر از همه اينها حذف ۴۰ صفحه از كتاب بانام كتاب سوزى ايران و مصر است.

۴-۲-۷. تغيير نوع جمله ترجمه

گاهى اوقات نوع جمله به دليل ضرورت يا اشتباه مترجم عوض مى شود. براى مثال جمله ساده به مختلط يا مركب يا برعكس ترجمه مى شود. (مختارى اردكاني، ۱۳۸۶) گاهى نيز از حالت خبرى به انشايى يا برعكس ترجمه مى شود. در عبارت «دينى كه از فاتحين عرب به ايران رسيد در اينجا رنگ و روى ايرانى گرفته است، تشيع خوانده شد و از مذاهب اهل سنت (كه به عقیده پورداوود، اسلام واقعى همان است) امتياز يافت» (مطهرى، ۱۳۵۷) جمله معترضه‌اى كه داخل يرانتز آمده و بخشى از نقل قول است از متن اصلى در عبارت «إن الدين الذى وصل على أيدى الفاتحين العرب إلى الفرس، تأثر هنا بلون إيراني يدعى التشيع، ممتازاً عن مذاهب أهل السنة»

جدا شده و خارج از گیومه به صورت جمله مستقل: «و یری پورداوود أن الاسلام الواقعی هو إسلام السنّه لا الشیعه» آورده شده است.

۴-۳. سطح گفتمانی-کارکردی

۴-۳-۱. تغییر به دلیل اختلافات اجتماعی-فرهنگی

این مورد فاقد نمونه است.

۴-۳-۲. تغییر لحن

یکی از ارکان تأثیر ارتباطی، حفظ لحن کلام است و باید با زمان، وجه، بنا، واژگان و نحو آن را حفظ کرد. (فرهادی، ۱۳۹۲) کلمات باید با توجه به بار معنایی و موقعیت جمله انتخاب شوند. در عبارت «به درجه شهادت نائل شد» (مطهری، ۱۳۵۷) «به شهادت رسیدن» بار معنایی مذهبی و ادبی دارد در حالی که این کلمه در ترجمه اینچنین آمده است: «قُتِلَ» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲) که واژه‌ای خنثی بوده و آن بار معنایی مثبت را ندارد.

۴-۳-۳. تغییر ساختار درونی متن مبدأ

این تغییر به معنای تعدیل، تقلیل یا حذف و افزایش تأکیدها، تغییر علائم متن به گونه‌ای که در معنا تأثیرگذاری داشته باشد یا تغییر منظور نهایی متن اصلی است. (متقی‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۹۶) بنابراین، در عبارت «این حق به پدر اختصاص داشت» (مطهری، ۱۳۵۷) که فاقد ادات تأکید و حصر است، ولی در ترجمه آن: «بل إنّما كان هذا الحق لأبيها فقط» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲) متن مقصد با تأکید و حصر همراه شده است. همچنین در ترجمه عبارت «حقیقتاً مایه شرمساری ایران و ایرانیان است که با اینکه چهارده قرن است به عالی‌ترین مفاهیم توحیدی نائل آمده‌اند و نغزترین گفتارها را به نظم و نثر در این زمینه انشا کرده‌اند، خدای مجسم و شاخ و بالدار برایش بکشند و بعد هم اصرار کنند که این را به عنوان یک آرم ملی بپذیر» (مطهری، ۱۳۵۷) آمده است: «إنّه لمن المخجل أن یصوّر ربّ له جسم و جناح و لحيه لنا نحن الإیرانیین بعدأن حظینا ببرکه الاسلام باسمی المفاهیم التوحیدیه و قلنا و نظمنا فی ذلک أجمل المقالات

و الایات ثم یصرون علینا أن نقبل هذه الصور كأنها علامات و شارات و وطنیه و قومیه» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲) که زاویه دید سوم شخص (ایران و ایرانیان) به اول شخص یعنی، «لنا نحن الإیرانیین» تبدیل شده و اسلوب اختصاص نیز به آن افزوده شده است. «با اینکه چهارده قرن است» در عربی و نظم نثر نیز حذف شده است. «بال دار» به «ریش» (لحیه) ترجمه شده است. «به عنوان آرم ملی» به صورت ضعیف و نادرست: «کأنها علامات و شارات و وطنیه و قومیه» ترجمه شده است. «ببر که الاسلام» هم به متن افزوده شده و اینچنین ساختار درونی متن مبدأ تغییر داده شده است.

۴-۳-۴. تعدیل (کاهش) اصطلاحات محاوره‌ای

تعدیل به معنای یافتن کلمات، قالب‌های بیانی و نقش‌های دستوری مأنوس در زبان مقصد برای کلمات و ساخت‌های دستوری جمله‌های متن مبدأ است. در این تکنیک از میزان اصطلاحات محاوره‌ای که در متن اصلی به کار رفته است در ترجمه کاسته می‌شود. به دلیل آنچه در مورد تعدیل بیان شد عبارت «یک آدم اسقاطی نان به نرخ روز خور، همه چیز برایش علی السویه است. خود باشد و خرش از پل بگذرد» (مطهری، ۱۳۵۷) به صورت «إنه سقط متاع، یطلب رزقه من حیث یطلبه الناس و کلّ شیء له علی السویه بیهمه أن یعبّر الجسر ثم لایبالی أن یبقی الجسر لغيره أولاً» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲) ترجمه شده است که «آدم اسقاطی» «نان به نرخ روزخور» و «خر از پل گذشتن» همه اصطلاحات کنایی محاوره‌ای هستند که مترجم در ترجمه، دست به تعدیل آنها زده است.

۴-۳-۵. حذف منظور متن اصلی

«گاهی ممکن است در ترجمه چنان تغییری ایجاد شود که مقصود متن اصلی تغییر کند». (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶) نام کتاب یعنی، خدمات متقابل اسلام و ایران به صورت: «الإسلام و ایران» ترجمه شده است. این درحالی است که نام کتاب جزئی محسوب می‌شود و به خدمات

متقابل اسلام و ایران به یکدیگر اشاره دارد، اما مترجم به صورت کلی ترجمه کرده و به این ترتیب منظور اصلی متن مبدأ از بین رفته است.

۴-۳-۶. حذف حواشی

این مورد عبارت است از حذف پانوشته‌ها، پیش‌گفتارها، ضمیمه‌ها، توضیحات، کتاب‌شناسی، استدراکات، فهرست، اعلام و... که در ترجمه از زبان‌های دیگر به فارسی بسیار رایج است. (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶) مترجم در ترجمه این کتاب نهایت تلاش خود را انجام داده تا تمام توضیحات را در ترجمه بیاورد، اما در برخی موارد این موضوع از اختیار او خارج شده و حذف شده است. برای نمونه، مقدمه مؤلف در ابتدای کتاب به کلی حذف شده و در صفحه ۲۳۰ متن اصلی، مترجم پاورقی شماره ۲ را نیاورده است.

۴-۴. سطح سبکی-عملی

۴-۴-۱. بسط خلاقه

از عوامل مؤثر در ترجمه خلاق، کنار گذاشتن کلیشه‌های غلط در ترجمه، بسنده نکردن به اندوخته‌های ذهنی در معانی کلمات و توجه به ویژگی‌های زبان مقصد است. (طهماسبی و صمدی، ۱۳۹۵) این به آن معناست که مترجم براساس ذوق و سلیقه و برداشت شخصی، عباراتی را به متن اضافه می‌کند که در متن اصلی وجود ندارد. این کار برای مفهومی‌تر شدن ترجمه صورت می‌گیرد. «به عقیده پورداوود اسلام واقعی همان است» (مطهری، ۱۳۵۷). در این عبارت مترجم براساس ذوق و سلیقه خود آن را اینچنین ترجمه کرده است: «ویری پورداوود أن الإسلام الواقعی هو إسلام السنه لا الشیعه» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲) و کلماتی به ترجمه افزوده است که در متن اصلی نیست.

۴-۴-۲. اشتباه مترجم

بدفهمی و یا کم‌دانی مترجم از زبان مبدأ و مقصد یا موضوع ترجمه سبب اشتباه مترجم در امر ترجمه می‌شود. ماگ گوایر می‌گوید: «چون زبان بیانگر فرهنگ است مترجم باید دوفرنگه

باشد نه دوزبانه» (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶). عبارت فارسی «آیا اوستا که کتاب مقدس مزدینا و منسوب به زردشت است هیچ‌گاه تدوین نشده و همیشه سینه‌به‌سینه نقل شده است؟» (مطهری، ۱۳۵۷) به صورت «فهل أن أوستا هو الكتاب المقدس لمزدینا و هو کتاب زرادشت؟ و هل إنّه لم یکتب بل نقل بالروایه الشفویه عن ظهر القلب» ترجمه شده است که جمله اول فارسی که جمله موصولی بوده و جنبه اخباری دارد به دلیل برداشت نادرست مترجم به صورت جمله‌ای مستقل و سؤالی ترجمه شده است. بنابراین، ترجمه به این صورت: «فهل أن أوستا الذی هو الكتاب المقدس لمزدینا و منسوب إلى زرادشت، لم یدون بل نقل شفویاً» پیشنهاد می‌شود. در عبارت «نشانه انحطاط فکری است» (مطهری، ۱۳۵۷) نویسنده جمله را به صورت مثبت آورده و از فعل: «است» استفاده کرده است؛ یعنی مترجم آن را به صورت «لیس الدلاله علی انحطاط الفکر» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲) ترجمه کرده که اشتباه است؛ زیرا فعل را منفی و به صورت: «نیست» ترجمه کرده است. بنابراین، ترجمه به صورت: «دلیل علی انحطاط فکری» پیشنهاد می‌شود.

۴-۳. حفظ اعلام با معادل متن اصلی

اسامی خاص به‌طورکلی غیرقابل ترجمه هستند و با ترجمه به متن زبان مقصد انتقال نمی‌یابند. (ناظمیان، ۱۳۸۹) در عبارت «إسلام و ایران» مترجم در موارد زیادی، اسم‌های علم را به همان شکل متن مبدأ به متن مقصد انتقال داده است. «یکی از نسک‌های اوستای ساسانی موسوم است به سوزگر» (مطهری، ۱۳۵۷). ترجمه: «و من نسک أوستا الساسانی منسک یسمی سوزگر» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲).

۴-۴. حفظ ساختار خاص متن مبدأ

دراین مورد نمونه‌ای یافت نشد.

۴-۴-۵. بیان نامناسب در متن مقصد

مورد زیر نمونه‌ای از بیان نامناسب در متن مقصد است: «کیفیت جنگاوری و حریف بودن و هجوم‌آوری ما به زبونی، نان به نرخ روزخوری و ناجنسی و تذبذب بدل شد». (مطهری، ۱۳۵۷) ترجمه: «تبدلت کیفیه هجماتنا و حروبنا و مقاومتنا إلى الضعف و الفشل و الهوان و إلى أن نطلب رزقا من حيث يطلبه الناس و إلى أن نكون بلاأصالة و منافقین» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲). در این عبارت: «جنگاوری» به صورت «حروبنا»، «حریف بودن» به صورت «مقاوماتنا» و «تذبذب» هم به «منافقین» ترجمه شده است. به همین دلیل بهتر است عبارت به صورت «تبدلت محاربتنا و مخاصمتنا و هجماتنا إلى الهوان و الإنتهازیه و إلى أن نكون غیرمهدیین و متذبذبین» آورده شود.

۴-۴-۶. پرگویی در برابر ساده‌گویی

این روش آخرین چاره مترجم است که به آن ترجمه آزاد نیز می‌گویند. مرز میان این پدیده که شامل بسط قابل ملاحظه متن اصلی می‌شود و افزایش عام، مشخص نیست. (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶) برای نمونه: «یک‌دسته را دیوها می‌خواندند» (مطهری، ۱۳۵۷) ترجمه: «فقدکان هناک قسم من الآلهه الطبیعیه تدعی لها الهنود: دیوها أی الاجنه» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲). نمونه دیگری پرگویی، آوردن مطالب اضافی است که نویسندگان به آنها نپرداخته است. نمونه آن در جایی است که نویسندگان قسمتی از متن کتاب ابن اثیر را نقل کرده، اما مترجم در ترجمه، یک پاراگراف به این ارجاع افزوده است: «ثم سار فنزل بکوثی فأتی برجل من العرب فقال له ما جاء بکم و ماذا تطلبون» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲).

۴-۴-۷. تغییر صناعات بالاخص استعاره

موردی که به آن اشاره می‌شود نمونه‌ای از تغییر در صناعات به‌ویژه استعاره است. «ظهور وی دیباچه کتاب سعادت ایران به‌شمار می‌رود» (مطهری، ۱۳۵۷). ترجمه: «و یعدُّ ظهور هذا الملك علی عرش السلطنه فی ایران مقدمه فی طریق سعاده ایران» (یوسفی غروی، ۱۳۶۲). «دیباچه کتاب سعادت ایران» ترکیبی استعاری است که هنگام ترجمه این استعاره حذف شده است.

۵. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر ترجمه یوسفی غروی از کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران اثر استاد مطهری براساس الگوی ارزیابی کیفی کارمن گارسس بررسی و ارزیابی شد و نشان داد که مترجم در ترجمه این کتاب بیشتر رویکردی مقصدگرا و ارتباطی دارد. این ترجمه تکنیک‌های مثبت کمتری نسبت به ویژگی‌های منفی دارد و چون ارزیابی کیفیت و مقبولیت ترجمه از راه میزان ویژگی‌های مثبت و منفی آن است ترجمه ارائه شده از کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران فقط کفایت دارد و مقبولیت لازم را ندارد؛ زیرا مترجم در دو سطح معنایی-لغوی و نحوی-صرفی نسبت به سایر سطوح مدل کارمن گارسس موفق است، اما در سطح گفتمانی-کارکردی و سبکی-عملی نیاز به بازنگری دارد. ایشان در ترجمه کتاب دست به تعدیل‌هایی در سطح دستوری و نگارشی زده است که برخی از آنها در کارآمدی ترجمه تأثیر داشته است. عیب اساسی که در این ترجمه می‌توان به آن اشاره کرد حذف‌های مخمل و نابه‌جایی است که فراتر از حذف کلمه و جمله بوده و شامل پاراگراف و حذف ۴۰ صفحه از مطالب کتاب است. از نواقص دیگر این ترجمه می‌توان به پدیده بسط یا پرگویی زیاد اشاره کرد که گاه باعث تحریف متن شده است. با بیان این اشکالات باید گفت مترجم به خوبی از عهده ترجمه این کتاب برآمده است، اما کاستی‌هایی در ترجمه این کتاب دیده می‌شود که امید است در ویراستی جدید این مشکلات برطرف شود.

فهرست منابع

۱. افضل‌ی، علی، و اسداللهی، لیلیا (۱۳۹۸). کاربست نظریه گارسس در نقد ترجمه ادبی. (تعریب صالح الجعفری از رباعیات خیام). نشریه کلیه اللغات، ۴۰ (۲)، ۱۳۷-۲۵۹.
۲. امرائی، محمدحسن (۱۳۹۷). نقد و ارزیابی کیفیت ترجمه قرآن آیت‌الله یزدی براساس نظریه گارسس (۱۹۹۴). مطالعه موردی سوره بقره. نشریه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۵ (۱۰)، ۱-۴۶.
۳. خزاعی‌فر، علی (۱۳۹۱). ترجمه متون ادبی. تهران: سمت.
۴. رشیدی، ناصر، و شهین، فرزانه (۱۳۹۲). ارزیابی و مقایسه دو ترجمه فارسی از رمان دینکیشوت اثر میگوئل دوسروانتس براساس الگوی گارسس. نشریه زبان و ادب فارسی، ۵ (۵)، ۴۱-۵۶.
۵. صفوی، کوروش (۱۳۷۱). هفت گفتار درباره ترجمه. تهران: نشر مرکز.

۶. صلح جو، علی (۱۳۷۷). گفتمان و ترجمه. تهران: نشر مرکز.
۷. صیادانی، علی، اصغریور، سیامک، و خیراللهی، لیلا (۱۳۹۶). نقد و بررسی ترجمه فارسی رمان «قلب اللیل» با عنوان «دل شب» براساس الگوی گارسس. نشریه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۷ (۱۶)، ۸۷-۱۱۸.
۸. الطامی، احمد صالح (۲۰۱۳). من الترجمة الى التأثير. بیروت: منشور ضفاف.
۹. طهماسبی، عدنان، و جعفری، صدیقه (۱۳۹۳). جستاری در ترجمه از عربی به فارسی با تکیه بر فرآیند معادل-یابی معنوی (بررسی رمان السکریه). نشریه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۱۰ (۴)، ۹۷-۱۱۸.
۱۰. طهماسبی، عدنان، و صمدی، وحید (۱۳۹۵). شیوه ترجمه ادبی مبتنی بر ترجمه نمایشنامه صاحب‌الجلاله. تهران: سازمان جهاد دانشگاهی تهران.
۱۱. عنانی، محمد (۱۴۲۴). نظریه ترجمه الحدیثه. مصر: الشركه المصریه العالمیه للنشر.
۱۲. فرهادی، پروین (۱۳۹۲). بررسی، نقد و ارزیابی ترجمه متون عربی، آثار ترجمه شده غسان کنفانی در سه بخش قصص، روایات و مسرحیات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
۱۳. کمالی، محمدجواد (۱۳۹۲). اصول فن ترجمه. تهران: سمت.
۱۴. مختاری اردکانی، محمدعلی (۱۳۸۶). استعاره ترجمه (مجموعه مقالات درمورد ترجمه). کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۵۷). خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: صدرا.
۱۶. مهدی پور، فاطمه (۱۳۸۹). نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن از نظر آنتوان برمن. نشریه کتاب ماه ادبیات، ۶ (۴۱)، ۵۷-۶۳.
۱۷. ناظمیان، رضا (۱۳۸۹). روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی. تهران: سمت.
۱۸. نیومارک، پیتر (۱۳۷۲). دوره آموزش فنون ترجمه. مترجم: فهیم، منصور، و سبزیان، وحید. تهران: رهنما.
۱۹. یوسفی غروی، محمدهادی (۱۳۶۲). الاسلام و الایران ترجمه کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران نوشته مرتضی مطهری. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.